

Agreement for Bringing Peace to Afghanistan اتفاق إحلال السلام في أفغانستان افغانستان ته د سولې راوستلو تړون موافقتامه آوردن صلح به افغانستان

الدوحة قطر ٢٩ فبراير ٢٠٢٠ 29 February 2020



کنفرانس دوحه دربارہ افغانستان 2

کنفرانس دوحه دربارہ افغانستان

صلح فریبکارانه ... و توافق نامه سراب گونه

(2)

عناوین:

– نگاه آمریکایی / اسرائیلی به جهان اسلام، نگاهی بر اساس تقسیم فرقه ای خود را به دو اردوگاه جنگ می باشد که یکی از آن ها سنی است که با آن ها متحد است و دیگری شیعه است که دشمن آن ها و متحدان سنی آن ها است. و امارات اسلامی این بینش مخالف است.

– آمریکا ترکیه را نامزد برای نقش فعال تر در مرحله جدیدی از جنگ افغانستان کرده است که با نقش یک هندی (و یک پاکستانی) کامل می شود تا بدین وسیله هرگونه امید به ساختن یک سیستم اسلامی را از بین ببرد.

آنچه هند می تواند انجام دهد پشتیبانی از تاجیک ها در افغانستان و آزار و اذیت پشتون ها برای تحت فشار قرار دادن آن ها به عنوان اسلحه پاکستان است که در نوار پشتون در موازات مرز پاکستان قرار دارند.

– بسیار بعید است که روسها یا چینی ها در هر پروژه جدایی طلبانه در داخل افغانستان شرکت کنند، زیرا این یک تهدید برای امنیت و منافع آن ها است.

– داعش در افغانستان سازمانی است با پیشینه قومی ترکی، آن هم با پیوند با ارتش ترکیه که پیشنهاد افزوده شدن این کشور مطرح شده، به طوری که ارتش ترکیه دارای دو بال یعنی داعش و گلم جم است و در بین آن ها با وجود اختلاف نظر موجود میان “گلم جام” کمونیستی و داعش اسلامی، یک پیوند قومی وجود دارد.

– آمریکا از روابط در حال انفجار استفاده کرد تا هند را برای رویارویی بزرگ با چین در یک جنگ که می تواند هسته ای باشد آماده کند اما این امر هنوز در اولین مراحل اقتصادی و “بیولوژیکی” خود قرار دارد.

ورودهای جدید .. و افراد قدیمی غایب:

هند یا ترکیه قدرت های بین المللی جدید نیستند، بلکه دولت های باستانی هستند. اما آمریکا – سرپرست کل امور جهان – تصمیم گرفت تا نقش مهم تری را نسبت به دهه های گذشته به دو کشور واگذار کند. انگیزه آن نیز پیروزی جنبش طالبان در افغانستان در برابر حمله آمریکا که طولانی ترین جنگ این کشور استعمارگر به استثنای جنگ داخلی آن ها علیه بومیان آمریکایی است، می باشد.

بازگشت امارت اسلامی پیروز به حاکمیت افغانستان با توجه به افتخارات پیروزی نظامی و درس های عالی آن، از دیدگاه آمریکایی برای منافع خود در منطقه و جهان اسلامی خطر بزرگی را ایجاد می کند، زیرا با دیدگاه آمریکا / اسرائیل از جهان اسلام بر اساس تقسیم فرقه ای آن به دو اردوگاه متعارض، مغایرت دارد. دیگری این است که شیعه دشمن آن ها و سنی متحدانشان هستند. و امارات اسلامی با آن بینش متناقض است.

هنگامی که امارت به حکومت افغانستان برگردد، برای ملحق شدن دوباره به ملت و جمع آوری نیروهای

خود برای آزادسازی سرزمین های اشغالی و احیای عزت و ثروت خود که توسط غارت های بین المللی و رژیم غاصب آن غارت شده بود و برای ساختن یک نظم واقعی، عادلانه و مستقل اسلامی، به طور جدی کار خواهد کرد.

طالبان اعتبار خود را از جهاد پیروزمندانه علیه ارتش آمریکا (قدرتمندترین ارتش جهان در طول تاریخ) بدست آورده و این امر را به میراث باشکوه مردم افغانستان در جهاد اسلامی خود علیه نیروهای اشغالگر از اواسط قرن نوزدهم تا به امروز اضافه کرده است.

جمع کردن مسلمانان زیر پرچم اسرائیل:

اعراب به طور جداگانه در زیر پرچم اسرائیل قرار دارند، که می خواهد مسلمانان زیر یک پرچم جامع که به نام اسلام (فرقه گرایی) شناخته می شود، جمع می کند و همه را در اطاعت از اسرائیل به نام اتحادی علیه آنچه که “خطر شیعه ایرانی” خوانده می شود، قرار دهد.

– عربستان سعودی تمام ماسک های جعلی خود را به آتش کشیده و چیزی جز پرچم فحشای لعنتی آن به رهبری بن سلمان که بدین وسیله بر شبه جزیره عربستان حکومت می کند باقی نمانده است.

– ترکیه که محافظ تضادهاست می خواهد با مشخصات فوق الذکر (اسلام سنی) رهبری کند. این یک دولت “اسلامی” است در مفهومی که حکومت یهودیان و حاکمیت آن ها بر مسلمانان را می پذیرد. در جنگی صلیبی که توسط جورج بوش علیه مردم افغانستان تحمیل شد جنگید. جنگی که ترکیه در زیر پرچم ناتو قرار گرفت که دوستانش آن را به عنوان (یک باشگاه مسیحی) توصیف می کنند.

این کشور سکولار است که هیچ چیزی از قوانین اسلامی را اعمال نمی کند، اما وابستگی تاریخی آن با اسلام را منبع قدرت در تعامل خود با اروپا می داند زیرا ترکیه توانایی کنترل و هدایت در کشورهای عربی و مسلمان را دارد، بنابراین در موقعیتی است که بیش از هر کشور عربی می تواند خدماتی را به غرب ارائه دهد، حتی بیشتر از عربستان سعودی.

این کشور متحد اخوان المسلمین – بزرگترین جنبش اسلامی سنی مذهب – بوده و با گروه های بیشمار جهادی (مسلح) اسلامی در سوریه، لیبی و عراق متحد است. همچنین دارای روابط نزدیک با داعش بوده و با پاکستان در انتقال داعش، به ویژه عناصر این گروه که از ترکستان و آسیای میانه بودند، از سوریه و عراق به افغانستان کمک کرده است.

ترکیه بقیه سازمان های جهادی را به هر جایی که نیاز آمریکایی ها باشد برای جهاد “در راه خدا” مانند لیبی و افغانستان منتقل می کند.

به همین دلیل است که ترکیه خطرات ناشی از سیستم امارت اسلامی در افغانستان را می بیند، چرا که

صادقانه تر و خالص تر است. از همین رو ترکیه در سال 2001 برای جلوگیری از بازگشت مجدد نظام اسلامی و از ترس این که این نظام امکان تبدیل شدن الگو برای دیگر کشورهای اسلامی را دارد، جهت ضربه زدن به آن پیشگام شد.

آمریکا در مرحله جدیدی از جنگ افغانستان ترکیه را برای داشتن نقشی فعال تر نامزد می کند، مرحله پس از شکست بزرگ آمریکا در این کشور. نقش ترکی که با نقش یک هندی (و یک پاکستانی) برای از بین بردن هرگونه امید برای ساختن یک سیستم واقعی اسلامی در این کشور تکمیل می شود.

– در سفر خود به پاکستان در 12 فوریه 2020 ، اردوغان با بازیکن کریکت و نخست وزیر پاکستان – عمران خان – درباره همکاری “اسلامی” در چارچوب استراتژی بین المللی ایالات متحده و اسرائیل بحث و گفتگو کرد. رسانه ها از چیزی که او خوانده با عنوان (شورای همکاری استراتژیک بین ترکیه و پاکستان) نام بردند. شاید در اشاره به این بلوک اسلامی ، که قرار است در جهان و بویژه افغانستان ، در خدمت اسرائیل و آمریکا باشد.

چاووش اوغلو، وزیر امور خارجه ترکیه ، پس از دیدار با اشرف غنی، رئیس جمهور افغانستان در ترکیه گفت: نیروهای این کشور برای مدت زمان لازم در افغانستان خواهند ماند. “!!” چاووش گفت (ما آماده هستیم موضوع حمایت امنیتی و دفاعی در افغانستان گسترش دهیم. “!!”

اردوغان و چاووش اوغلو ویژگی های بیشتری از پروژه آینده ترکیه به ویژه در افغانستان را روشن می کنند. تحلیلگران گفتند که اردوغان در تلاش است به عنوان یک آلترناتیو برای عربستان سعودی، پاکستان را به زیر بال خود بکشاند و عمران خان نیز به دنبال رهایی از دیکته های استکباری و دستورات شرم آور سعودی هاست. همانطور که در رابطه با کنفرانس مالزی که از دو ماه قبل خود را برای حضور در آن در چارچوب “مجمع” اسلامی آماده می کرد و قصد داشت در یک کانال تلویزیونی به زبان انگلیسی برای تبلیغ اسلام در کشورهای غربی “!!” سخن بگوید، اتفاق افتاد و از آن خارج شد. عربستان سعودی از تجاوز ترکیه علیه جایگاه مقدس خود و به دست گرفتن و کنترل رهبری بخش سنی جهان از نظر دینی پراکنده اسلام می ترسد.

کارت های ترکیه در افغانستان:

ترکیه اکنون 500 سرباز در افغانستان دارد – { این اعداد به رغم حفاظت دقیق اطلاعات مربوط به افغانستان توسط آمریکا منتشر شده که به طور کامل انحصار وظیفه صدور بیانیه های نظامی در انواع مختلف، تجزیه و تحلیل سیاسی از وقایع، طبقه بندی گروه ها و تعیین مناطق اراضی تحت کنترل هر کدام از طرفین را بر عهده دارد. اما هنوز هیچ جایگزینی برای استفاده از آن به جای منابع جعلی آمریکایی وجود ندارد. }

البته تعداد نیروهای اشغالگر را می توان در هر زمان و بدون اعلام قبلی - چه نیروهای ترکیه و چه آمریکایی و متحدان آن ها - افزایش داد. و این نکته مهمی است در توافق نامه ای که آن ها در دوحه ، در پایتخت سراب امضا کردند وجود دارد.

چاووش اوغلو می گوید که کشورش آماده حضور گسترده در افغانستان است. این همان حکمتی است که هند علیه مسلمانان در افغانستان ، کشمیر و کل شبه قاره هند (از جمله بنگلادش) از آن استفاده می کرد.

- اکنون ترکیه دو رهبر اخوان المسلمین دارد که بر رژیم کابل تأثیر می گذارند. یکی از آن ها (گلبدین حکمتیار) یکی از مدیران و کارگردانان ارشد فعالیت داعش در افغانستان و همچنین فعال محبوب حوزه فمینیست به عنوان یک مجاهد می باشد. حکمتیار با پاکستان، متحد مهم ترکیه در نقش جدیدش در افغانستان، رابطه ای نزدیک دارد و نقش امپریالیستی خود را که از طریق سوریه به لیبی گسترش می یابد، تکمیل می کند.

رهبر اخوان المسلمین دیگر (عبد الرسول سیاف) رهبر پیشین اتحادیه مجاهدین در دوره اتحاد جماهیر شوروی است. وی نقش مهم دیپلماتیکی برای تحریک هند و جذب آن به میدان افغانستان ، برای اقدام نظامی علیه امارت اسلامی پس از پیروزی بر ارتش آمریکا دارد.

سومین کارت مهم در اختیار بازیگر ترکیه ای در قمار جدید خود در افغانستان کارت رهبر ازبکی افغانی "عبدالرشید دوستم" ، مشهورترین رهبر شبه نظامی کمونیست در دوران اتحاد جماهیر شوروی و رهبر بزرگ "مزدور" در خدمت اشغال آمریکا است.

شبه نظامیان دوستم ، معروف به "گلم جم" ، سابقاً شبه نظامی کمونیست بوده که "تعصب" خاصی به نژاد ترکی داشتند و همین امر باعث می شود از نظر روانی نزدیک به ازبکستان و ترکمنستان، دو همسایه در شمال افغانستان باشند. با بهره برداری از تعصب نژادی ترکی ، ترکیه در تلاش است تا نقش بعدی خود در افغانستان را تثبیت کند و از آنجا به عمق آسیای میانه پیش رود و بدین ترتیب موقعیت سیاسی خود را در اتحاد بین المللی با اسرائیل و آمریکا بالا ببرد.

داعش که توسط ترکیه به افغانستان منتقل شده بیشتر در شمال افغانستان مستقر است، همان مناطقی که ترکیه برای حضور در آن جا نامزد شده و از تعصب نژادی ترکی اردوغانی نیز بهره مند است. مهمترین تشکل های داعش در افغانستان "ترکستانی ها" و "ازبک ها" - که قومیت های ترکیه هستند - بوده و بنابراین می توان گفت داعش در افغانستان سازمانی است با پیشینه قومی ترکیه که بیشتر با ارتش ترکیه در ارتباط است که برای اقدام علیه مردم افغانستان فراخوانده شده است. ارتش ترکیه دو بال خواهد داشت ، داعش و گلم جم، و آن ها علی رغم تضاد ظاهری میان کمونیسم و اسلام داعشی، پیوند قومی دارند.

- چشم ترک ها - با اشغال آمریکا - به یک پروژه جدایی طلب در شمال افغانستان است. این پروژه ای است که در آن اتحاد جماهیر شوروی مسیری طولانی را پشت سر گذاشت اما در نهایت به دست طالبان و امارت اسلامی شکست خورد. این همان سرنوشتی است که در انتظار هرگونه پروژه انتشار فاجعه بار

این توسط ترکیه و داعش خواهد بود.

هند در مسیر تقسیم افغانستان:

هیچ اقلیت هندویی در افغانستان وجود ندارد که بتواند یک پروژه جدایی طلبی با حمایت هند در افغانستان ایجاد کند. آنچه هند می تواند انجام دهد این است که موضع گیری قدیمی اتحاد جماهیر شوروی در حمایت از تاجیکستان را در افغانستان آغاز نماید. بسیار بعید است که روس ها یا چینی ها در هر پروژه جدایی طلبانه در داخل افغانستان شرکت کنند، که به طور خودکار امنیت و منافع آن ها را تهدید می کند. مهمترین فعالیت جدایی طلبانه مداخله نظامی هندوستان به آزار و اذیت پشتون ها منجر خواهد شد تا آن ها را به عنوان محافظ خود در برابر سلاح های پاکستانی در نوار پشتون نشین در موازات مرزهای پاکستان قرار دهند.

بنابراین ، واکنش پاکستان به دخالت هند در عمق افغانستان چیزی جز واکنش رسمی و رسانه ای نخواهد بود، همانطور که واکنش آن به اشغال کشمیر توسط هند بود، اما بسیار کمتر از آن. با توجه به اینکه تلاش نظامی هند در افغانستان در نهایت به نفع پاکستان خواهد بود !!.

در غیر این صورت، نقش هند – بزرگترین نظام آسیا پس از چین – علیه مسلمانان در شبه قاره هند، تا افغانستان ، گسترش پیدا می کند.

در این میان ، موفقیت بسیار خطرناکی برای اسرائیل و ایالات متحده در جنگ مشترکشان علیه اسلام رقم می خورد و در عوض هیچ پروژه یا حتی یک (درک) اسلامی از چگونگی مقابله با این خطر وجود ندارد.

– مهمترین نکات امروز تضاد شدید بین هند و چین است – هر دو قدرت هسته ای بوده و دارای یک اقتصاد بزرگ به سرعت در حال رشد هستند – و در میان آن ها مشکلات مرزی به ویژه در تبت وجود دارد. آمریکا از این روابط در حال انفجار استفاده کرد تا هند را برای رویارویی بزرگ با چین در یک جنگ – که احتمالاً هسته ای است – آماده کند، اما هنوز در مراحل اقتصادی و بیولوژیکی قرار دارد (سلسله ویروس های ابتکاری و اصلاح شده ژنتیکی کرونا برای هدف قرار دادن نژادهای خاص انسانی).

– نزدیکتر شدن روابط میان افغانستان و چین توازنی با نقش هندوستان ایجاد می کند و گرایش تهاجمی رژیم بسیار متعصب این کشور خود علیه مسلمانان را مهار می کند.

از این مرحله ما برای مقابله با تهدیدات آمریکایی ها همچون تقسیم کشور و جنگ های داخلی و وارد کردن قدرت های اجنبی خصوصا هند و ترکیه برای پیشبرد نقشه های خود درباره افغانستان وارد گزینه های موجود برای یک دولت اسلامی در افغانستان می شویم .

نوشتہ:

مصطفیٰ حامد - ابو ولید مصری

منبع:

سایت سیاسی مافا (ادبیات ممنوعه)

www.mafa.world/fa

